# خاطرات اروپا

## مشخصات کتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

خاطرات اروپا

اردیبهشت 1396

رسول ملکیان اصفهانی

ص: 1

## فهرست:

مقدمه...3

سوابق تبلیغی.....4

شرایط تبلیغات جهانی......6

معیارزبانشناسی جهانی....7

اقدامات وطرحهای بین المللی........9

بخش اول :کلیسا و کشیش............11

بخش دوم: تاریخ وجغرافیای غرب............16

بخش سوم: دین ومردم وفرهنگ اروپا.......19

بخش چهارم: ارتباط حوزه علمیه وروحانیت باغرب............25

بخش پنجم:ظرفیت های حوزه علمیه اصفهان.........27

بخش ششم:نتایج نهائی سفر.......28

بخش هفتم:عکس ها ویادها........30

ص: 2

الَّذینَ یُبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللَّهِ وَ یَخْشَوْنَهُ وَ لا یَخْشَوْنَ أَحَداً إِلاَّ اللَّهَ وَ کَفی بِاللَّهِ حَسیباً (سوره احزاب آیه 39)

[ آری این روش خداست درباره ] آنان که همواره پیامهای خدا را به مردم می رسانند و از [ عظمت و مقام ] او می ترسند و از هیچ کس جز او واهمه ندارند و برای حسابرسی [ کار با ارزش اینان ]خدا بس است .

ص: 3

## مقدمه

ازتاریخ آبانماه 1395 پی گیری می کردم که به همراه تعداد دیگری ازعلما حوزه علمیه اصفهان ازسرزمین غرب واروپا بازدید وگفتگوی علمی ومذهبی داشته باشیم .

تا این امردرتاریخ شنبه 9 اردیبهشت 1396 مصادف با29 آوریل 2017 ممکن شد و اینجانب رسول ملکیان اصفهانی به اتفاق حجت الاسلام والمسلمین سید حسین مومنی وحجت الاسلام والمسلمین سید احمد سجادی، حجت اسلام والمسلمین عبدالامیر خطاط، حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا زمانی(زبان دان)، حجت الاسلام والمسلمین گرجی، وآقای مسعود مهدویان فرراهی کشورآلمان شدیم.

البته گروه 11 نفربودنند که باانصراف سه نفرو عدم صدورویزا برای یکنفرازدیگردوستان ؛ درعمل یک گروه هفت نفره تشکیل شد و هرچه ازروزهای سفرگذشت اتحاد ودوستی وارتباط وصمیمیت بین

ص: 4

گروه بیشترشد بگونه ای بعدازگذشت 16 روزجدائی ازهمدیگرمشکل بود.

این گروه براساس دعوتنامه گروهی ( رجال علمی مذهبی مراکزدینی شهر بین المللی و توریستی و الهی وانسانی اصفهان ) از طرف شهرفرایبورگ آلمان صادرشده بود وما عازم این سفرشدیم.

باتوجه به اینکه شهراصفهان خواهرخوانده شهرفرایبورگ آلمان بود این بهترین راه برای دریافت ویزا بود که دراینجا ازهمکاریهای شهردارمحترم اصفهان دکترمهدی جمالی نژاد ومعاونت محترم فرهنگی شهرداری دکترعلی قاسم زاده وهمکارانشان کمال تقدیروتشکررامی کنیم که واسطه ومعین این سفرشدند واگرپی گیریهای این عزیزان وتوجیه مسئولین آلمان نبود نه دعوتی صورت می گرفت ونه ویزائی صادرمی شد.

ص: 5

درروز یکشنبه تاریخ 26/03/2017 با مدارک کامل بهمراه چهارنفرازگروه برای مصاحبه به سفارت آلمان درتهران مراجعه کردیم وروزبعد دیگردوستان.

جالب اینکه درصدورویزا برای اینجانب مشکلی اداری پیش آمد. به دلیل خطای اداری وانسانی که دراموراداری طبیعی بنظرمی رسد بیمه نامه سفر بعنوان ناقصی پرونده اینجانب والبته بدون اطلاع رسانی ازطریق تلفن ویاغیره ؛ بعدازدوهفته گذرنامه بدون ویزا درروزیکشنبه 20 فروردین مصادف باتاریخ 09/04/2017 به من تحویل شد.

واقدامات وصحبتهای شفاهی اینجانب درفردای آن روز هیچگونه تاثیری نداشت بلکه سبب رنجش سوپروایزروهمکاران سفارت آلمان هم شد. لکن بانامه نگاری های مجدد وپی گیریها وبالاترازهمه لطف واراده الهی ودعای دوستان درچندروزباقی مانده

ص: 6

به سفریعنی درتاریخ 4 اردیبهشت 1396 ویزاصادرگردید وبه این ترتیب سفرگروهی هفت نفره تشکیل شد.

بااین مقدمات هفت ماهه وتهیه بلیط و رزوهتل وتشکیل چندجلسه وتقسیم کارووظایف درسحرروزشنبه 9اردیبهشت راهی سفرازفرودگاه اصفهان بمقصداستانبول شدیم.

تهیه بلیط ورزوهتل وبرنامه ریزی سفربعهده آژانس یاقوت پروازبه مدیریت آقای اسماعیل حیدری بود که بسیارعالی ودقیق برنامه ریزی کردنند و باکمترین هزینه بهترین امکانات سفررافراهم کردنند وتاآخرین لحظات سفرازطریق تلگرام وتلفن گروه راراهنمائی ومشایعت می کردنند.

برنامه سفرما به این شکل بود شش روزآلمان- یک روزسوئیس-چهاروزایتالیا –سه روزفرانسه-دو روزهم درترکیه.

برنامه ما درآلمان براساس جدول مشخص بودودیدارها وجلسات ازقبل پیش بینی شده بود وهمینطور درکشورهای دیگربازدیدوآشنا

ص: 7

شدن باتاریخ وتمدن وآثارباستانی وفرهنگ انسانی وایمانی ومراکزتجاری وتفریحی آنجا بود.

## سوابق تبلیغی

لازم بتوضیح است که خوداینجانب چون دارای پرونده اعزام تبلیغ به خارج کشورهستم وتجربیاتی داشتم وهمچنین حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زمانی یک مرتبه به فرانسه مسافرت کرده بودنند ولکن بقیه همسفران برای اولین باربه غرب سفرمی کردند.

من قبلاچندین باربرای اعزام علما وروحانیت حوزه علمیه اصفهان به خارج فعالیت کرده بودم که توفیق عملی نداشت ولی این باربه لطف وامدادالهی محقق شد.

اولین بارحدود 15سال قبل بود که باهمکاری دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه شعبه اصفهان وحجت الاسلام والمسلمین شیخ احمدزادهوش تعداد12 نفررابرای تشکیل پرونده به سازمان فرهنگ

ص: 8

وارتباطات اسلامی معرفی کردیم که دراثرعدم پی گیری دوستان خیلی نتیجه بخش نبود.

دردومین اقدام شش سال قبل دومرتبه باهمکاری دفترتبلیغات اسلامی شعبه اصفهان وحجت الاسلام والمسلمین حبیب رضا ارزانی لیستی پنج نفره ازاساتیدحوزه علمیه برای اعزام تهیه شد که بخاطر بوجود آمدن مشکلاتی موفقیت دربرنداشت.

درسومین اقدام جلسه ای باحجت الاسلام والمسلمین زمانی معاونت بین الملل حوزه علمیه کشوردرقم برگزارشد و تمام مدارک واسنادمعاونت بین الملل به حوزه علمیه اصفهان برای تشکیل معاونت بین الملل ارائه شد که اقدامی صورت نگرفت.

ولی اراده الهی دراین تاریخ محقق شد وبه این صورت این قیام الهی تجلی یافت که امید است استمرارپیدا کند.

تذکرمهمی که بایدبدهم این است که باتوجه به فضای بوجودآمده بین علما واساتید حوزه علمیه اصفهان بامراکزدینی و علمی

ص: 9

کشورآلمان باید مدیریت حوزه علمیه اصفهان با بستن تفاهم نامه وقرارداد واستمراراین جریان دینی وعلمی آن را استمرار بخشد زیرامسیربخوبی الان باز و ریل گذاری شده است.

بایداعتراف کنم که مسائل این سفردرطول این هفت ماه بدون هیچگونه تبلیغی کارهاانجام شد تابه لطف الهی مثمرثمربشود وبعد ازآن گزارش وتبلیغ گردد.

قبل ازسفر تعدادی ازدوستان خدمت مدیرمحترم حوزه های علمیه استان اصفهان حضرت آیت الله سیدیوسف طباطبائی نژاد رسیدند که سفارشات لازم ودستورات لازم را صادرنمودنند ورهنمودهای ایشان زادوتوشه سفرشد.

واما ازبعدازدوران دفاع مقدس باتجربه ها وخاطرات تلخ وشیرین آن همیشه دغدغه تبلیغ و پیام رسانی آن رادرذهن داشتم. ولی یک فرق اساسی بادیگران داشتم وآن این بود که نمی خواستم خاطرات جبهه راثبت وضبط کنم وآنها رانشربدهم هرچنداین کاروظیفه

ص: 10

مقدسی بود ولی روح من رااشباع نمی کرد بلکه دوست داشتم درراهی قدم بگذارم که شهدابرای آن جان دادند وآن پیام رسانی محتوای خوددین وفرهنگ غنی اسلام اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین بود.

گفتم اسلام اهل بیت یعنی اسلام حقیقی وناب محمدی صلوات الله علیه.

ونکته دیگراین بودکه می دیدم این نهضت وقیام اسلامی هرچنددرداخل کشوردچارمشکلاتی است وبادوفرهنگ غربی و ملی گرائی ووابستگان به آن چالش جدی دارد ولی درعین حال انقلاب بزرگ اسلامی ایران مرزهای کشوررادرنوردیده است وبه فرازدیگرکشورهارسیده است.

دوشاخه مهم وبزرگ آن یکی کشورهای اسلامی است ودیگرکشورهای غرب مسیحی.

ص: 11

تاثیرانقلاب اسلامی ایران درکشورهای اسلامی منطقه و خاورمیانه وجهان ومسلمانان بسیاززیادبوده تاجائیکه انقلابات ونهضت های اسلامی زیادی راشکل داده که ادامه دارد.

لکن تاثیرانقلاب اسلامی ایران محدود به کشورهای اسلامی ومسلمانان نمی شود بلکه تاثیردرسطح جهان بخصوص جهان غرب ومسیحیت داشته است.

واین شاخه اخیرهمان رسالتی بود که من باتمام نواقص وکمبودهای معنوی ومادی که داشتم آن رادنبال می کردم.

## شرایط تبلیغات جهانی

برای این رسالت یعنی پیام رسانی محتوای فرهنگ اسلام اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین به دنیای غرب مسیحیت چندتاکارانجام دادم .

ص: 12

اول اینکه ماهیت واهداف انقلاب اسلامی وفداکاریها وایثارگریهای آن را عمیقا بشناسم.

وچون خودم ازنظرعملی توفیق درک وحضوردرنهضت وقیام انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس ودوران بازسازی پس ازآن راداشتم مباحث نظری انقلاب اسلامی درکش برایم آسان بود و بخصوص چون توفیق تحصیل علوم اسلامی درحوزه علمیه قم واصفهان را داشتم درک محتوا واهداف انقلاب اسلامی برایم ملموس وحسی وعلمی بود.

دوم اینکه بایدغرب و مسیحیت راخوب بشناسم.

سوم اینکه بافرهنک وادبیات وزبان فرهنگی ورفتارعملی غرب آشنا می شدم.

چهارم باتاریخ مسیحیت وکلیسا وکشیش آشنا می شدم وبخصوص دوران قدرت واوج وحاکمیت سیاسی ومذهبی کلیساوبعددوران رنسانس وبلاخره وضعیت فعلی آنان.

ص: 13

پنجم شرایطی که یک مبلغ جهانی بایدداشته باشد مثل زبان؛ اخلاق وتقوی؛ نظم؛ صداقت؛ همت ؛ استقامت ؛ گذشت وایثار.

## معیار زبانشناسی جهانی

درخاطردارم چندجلسه ای باحضرت آیت الله مرتضی جوادی آملی برای نشروآثارعلامه عبدالله جوادی آملی استاد کم نظیرم درسطح جهان داشتیم آنجابه تفصیل گفتم برای نشرآثارمعظم له باید سه مرحله کارصورت گیرد:

اول آنها به زبان وادبیات ساده وعمومی و درعین حال عمیق فارسی تبدیل گردد.( وضعیت فعلی آن داخلی وتخصصی است وپرازاصطلاح ولغات مشکل).

ص: 14

دوم بعدازآنکه متن عمومی تهیه گردید تبدیل به زبان وفرهنگ وادبیات جهانی گردد.

سوم به زبانهای دیگردنیا مثل انگلیسی و آلمانی وفرانسه و .....تبدیل گردد.

ویاخاطرم است زمانی که گروهی میخواستندتفسیرنمونه رابه زبان انگلیسی دراصفهان ترجمه کنند.

تعدادشش نفرازاساتید دور هم جمع شدند ووقتی دیدند چقدرتبدیل کردن متن تفسیرنمونه به زبان انگلیسی کارمشکلی است ازآن انصراف دادند.فقط یکنفرکارراادامه داد که دکترصدربود. بادکترصدردرباره تبدیل متن تفسیرنمونه که به زبان فارسی وعربی (آیات وروایات) است بیش ازصدها ساعت جلسه داشتیم که خلاصه آن چنین است:

اگریک سخنران درسطح عموم جامعه ما بگوید مردم مسلمان من امروز می خواهم درباره نمازمسافر سخن بگویم تمام افرادیکه

ص: 15

مخاطب این سخنران هستند فایلی درذهن آنها بازمی شود که حدود پنجاه صفحه می باشد به این شکل مخاطب می فهمد نماز یعنی یکی ازدستورات الهی و17رکعت است . حمد وسوره و رکوع وسجده وتشهدوقیام وتکبیره الاحرام دارد ومعنی ومفهوم هرکدام ازاینها رادرحد معلومات خود درک می کند یعنی بافرهنگ نمازوتعریف وتبیین آن آشنائی دارد حال میخواهدبراندوخته واطلاعات خود اضافه کند درباره نمازمسافرهم مطالبی یاد بگیرد.

اگرشخص مخاطب خودش دانش آموخته علوم اسلامی باشد بیش ازصدصفحه ویا دویست صفحه اطلاعات دارد وهمینطورتایک مجتهد ومرجع تقلید.

حال اگرشما خواستید کلمه صلوه درقرآن رادرتفسیربرای مخاطب انگلیسی زبان ترجمه کنید چه می کنید؟مخاطب شما چقدردرک مفهومی ومعنائی ازصلوه دارد ؟ وهمینطوراست هزاران لغت دیگردرقرآن وتفسیرآن که هزاران صفحه درخودش تفسیردارد.

ص: 16

مثال لغت وکلمه صلوه مثال ساده بود اگرخواستیم لغت جن؛شیطان؛ملائکه؛بهشت؛جهنم؛قیامت؛صراط؛ توحید و....امثال اینها رابرای مخاطب جهانی وانگلیسی زبان ترجمه وتفسیرکنیم چقدرکارمشکلی است.

این بود که درباره تبدیل متن تفسیرنمونه به زبان انگلیسی صدها ساعت با دکترصدرصحبت وبحث می کردیم که برای هردوی خود ماجالب بود.

اشکال مهم دیگری که درمیان است اختلاف دیدگاههاست در موضوعات گوناگون دینی واسلامی وقرآنی مثلادرباره خلقت آدم وحوا وفرزندان آن شش نظریه است ویا درباره عالم ذرهفت نظریه.

کسیکه میخواهد متن فارسی را ترجمه و تفسیرکند برای دیگران آیا همه راترجمه کند یا گزینش کند.

ص: 17

واشکال دیگراینکه خود ترجمه کننده چقدراین مفاهیم رادرست درک میکند که بخواهد آنها رابه زبان دیگری ترجمه کند. یعنی مرتجم خودش باید تاحدی متخصص علوم قرآنی وتفسیرباشد.

واشکال دیگراینکه مخاطب انگلیسی زبان مادرسطوح مختلف برداشتهائی ازمفاهیم فوق مثل توحید دارند ماچگونه تفسیرکنیم که برای آنها گویا باشد زیرابسیاری ازمواردیااشتراک لفظی پیش می آید یا اشتراک معنوی وغیره.

ودست آخراینکه ترجمه متن تفسیرنمونه چون به زبان فارسی است ودارای ادبیات پرازاصطلاحات وکنایه ها وکلمات فصاحت وبلاغت که تبدیل آن به زبان انگلیسی کارسنگین وطاقت فرسائی است. اینها گوشه ای اززوایای تبدیل تفسیر قرآن به زبانهای دیگراست.

اینجاست که شما متوجه سختی کارتبلیغ وعلمی درسطح جهان بخصوص غرب خواهید شد.

ص: 18

وخاطره سوم دراین باره برمی گردد به زمانیکه حجت الاسلام والمسلمین لقائی با بیش ازده سال تبلیغ دراسترالیا به اصفهان برگشت و دراصفهان پایه علوم اسلامی حوزوی به صورت مجازی راتاسیس کرد وبرای تشکیل کلاسها نیازبه کتاب درسی علوم حوزوی داشت که بانگاه جهانی تدوین شده باشد وازاستاندارهای لازم برخوردارباشد. دراین حوزه علمیه مجازی بیش از100 نفره طلبه ازسراسرجهان ثبت نام کرده بودنند با فرهنگ های متفاوت وهمه آشنا بازبان انگلیسی.

خوب افرادی که باکتب درسی علوم حوزوی آشنا هستند آیا می توان متن کتابهای درسی رایج حوزه علمیه رادرفضای مجازی باطلاب جهانی درمیان گذاشت وآنها راتدریس کرد؟

این بود که باصحبتها وجلساتی که باایشان داشتیم ایشان نهایتا تصمیم گرفت که خودشان ازکتابها گزینشی داشته باشند وبه تدریس وآموزش اینها اقدام نمایند. البته جامعه المصطفی دراین

ص: 19

زمینه قدمهای مناسبی برداشته وهنوزتارسیدن به ادبیات وفرهنگ جهانی فاصله زیادی داریم.

شما نگاه کنید به کتابهای منحرف والتقاطی اشو که با بهترین سبک وادبیات جهانی تدوین و جهان سازی وسپس به زبانهای مختلف دنیا وفارسی ترجمه شده است. ویاداستانهای هری پارترو...

## اقدامات وطرحهای بین المللی

بازاگرمقدمه طولانی نشود دوخاطره دیگردراینجا نقل میکنم وامیددارم درمسائل بین المللی اینقدرکوتاهی نکنیم بلکه انشاء الله ازنسل انقلابیون جوان حوزوی برای رضای الهی دراین راه قیام کنند:

خاطره مربوط میشود به زمانی که کشوربزرگ شوروی سابق ازهم پاشیدوتبدیل شد به چندین کشورکوچک وبزرگ.

ص: 20

طرحی که آن زمان به بعضی ازمسئولین دادم این بود که الان بهترین فرصت است برای این که به کشورهای شمالی ایران هرکدام 2000 الی 5000هزارنفرجوان معمولی بااطلاعات اجمالی اعزام کنیم وتا 2الی 5 سال آنها راحمایت مالی ومعنوی واطلاعاتی کنیم . این تعدادجمعیت بعددراثرمرورزمان یک جمعیت اسلامی وشیعی وانقلابی رادرآن کشورشکل می دهند. طرح این بود که آنها درهمان نقطه ازدواج کنند وفرزندآوری کنند وکسب وکارراه بیندازند وبرای همیشه آنجا اقامت کنند.درست شبیه جنوب بیروت درلبنان. آیا این مقدارهزینه برای صدورانقلاب زیادبود؟ آیاکارآرائی آن ازصدها رایزن فرهنگی بیشترنبود؟ حتی منتقدین طرح می گفتند ممکن است خیلی ازاین جوانها به بیراهه بروند. فرضا اگرچهل درصداینطوربودنند بازازکارآرائی این طرح چیزی کم نمی کرد. واین انحراف بسته گی داشت به اینکه ما چه جوانانی رابرای این طرح انتخاب می کردیم . بگذریم که دراین راستافرصت سوزی شد که حالاحالاها قابل جبران نیست.

ص: 21

وخاطره دیگرم برمی گرددبه زمان انتخاب دوره اول رئیس جمهوری دولت نهم دکتراحمدی نژاد. پیش خودفکرکردیم فرصت مناسبی است که یک گام بلند برای پرونده انرژی هسته ای برداریم.

دکترینی تهیه کردیم درباره دفاع هسته ای و آن راخدمت دکترعلیرضا ذاکراصفهانی که آن زمان مسئول مرکزتخقیقات استراتژیک شده بود دادیم. دراین طرح تعدادشش کشوراروپائی راهدف قرارداده بودیم وچندنفرازافرادرا هم انتخاب کرده بودیم که دراین کشورها روزنامه نگارونویسنده گانی راانتخاب کنند که به دفاع بحق مادرپرونده هسته ای قلم بزنند ومقالات اینها درروزنامه های

معروف غرب چاپ شود مثل لو موند فرانسه ؛ برلینر تسایتونگ آلمان و... که متاسفانه این طرح هم دراثرعدم شناخت آن توسط مسئولین به سرانجام نرسید وشما بعدها دیدید که چه اتفاقاتی دراین باره افتاد. کلا دیپلماسی ما ضعیف است ما باید 1000میز مثل پرونده

ص: 22

هسته ای داشته باشیم برای تعامل باجهان که دراین زمینه بسیارکم کاروضعیف هستیم . وافراد آشنا می دانند بعضی ازسفارتخانه ما چه وضعی دارند. شما حتما توجه دارید که گرهای کوراقتصاد ما هم درزمینه صادرات به همین مسئله دیپلماسی خارجی مابرمی گردد.

نکته مهمی که اینجا می خواهم عرض کنم این استکه اگرطلاب ما باداشتن اطلاعات کامل ازاسلام واسلام شناسی عمومی زبان آموختند منتظرمراکزاعزام نباشند بلکه باداشتن جوشش وکوشش خود دراین راه اقدام کنند ومطمئن باشند موفق خواهند بود. طلبه زباندان اگرمهارتهای تبلیغی داشته باشد ودارای هوش تبلیغ بین المللی وسعی وتلاش درراستای آن موفق خواهدبود والا اگرمنتظر باشد مراکزآن رااعزام کنند وبعد هم ازآن حمایت کنند هرچندمطلوب وایده آل است ولی معلوم نیست چنین مسیری چقدردست آورداشته باشد. نتیجه اینکه درهرصورت طلبه مبلغ بین اللملل به هرشکل که اعزام شده باشد اگردرمحیط تبلیغ خودش راپیدانکند وسعی وتلاش وجدیت ازخودش نشان ندهد موفق

ص: 23

نخواهد شد. که این داستان مفصلی دارد تو حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل.

امامجموعه خاطرات خودراباید درهفت بخش تقسیم بندی کنم وبصورت خلاصه بیاورم:

اول : کلیسا و کشیش.

دوم: تاریخ وجغرافیای غرب.

سوم: دین ومردم وفرهنگ اروپا.

چهارم :ارتباط حوزه علمیه وروحانیت باغرب.

بخش پنجم:ظرفیت های حوزه علمیه اصفهان

بخش ششم:نتایج نهائی سفر

بخش هفتم:عکس ها ویادها

ص: 24

## بخش اول :کلیسا و کشیش

تاریخ کلیسا وکشیش درغرب واقعا خواندنی و مفصل وپرازفراز وفرود است . لکن ارزیابی من دراین سفراین بود که اینها درگذشته چندین قرن دوران اوج وحاکمیت سیاسی وقدرت بی چون وچرا ی کلیسا وکشیش برمردم وجامعه و دارای حکومت مقتدربوده اند وتمام این تجربیات را هم اکنون درکتاب وتاریخ ودلشان دارند ومسیحیت و کشیش کنونی آنها رافراموش نکرده اند بلکه به نسل جدید کشیشهانیزآموزش می دهند.

و هرچندحدود چهارقرن است که نظام غربی آنها را به عقب رانده اند وشرایطی درست کرده اند که سیاست وحکومت بصورت مستقیم دست کلیسا وکشیش نباشد

ولکن بایداعتراف کرد که کلیسا وکشیش هنوزدارای قدرت ونفوذ درمیان مردم و هم حاکمیت سیاسی است. اززمانهای دوراموال مادی زیادی هنوزدردست کلیسا وکشیش ها هست که بصورت

ص: 25

منظم بهره برداری واستفاده واداره می کنند وحال آنکه سهم معینی ازدرآمدمالیات دولتی ( درآلمان 8 درصد) رانیزدریافت می کنند وبرای حفظ وکنترل دقیق اموالشان با حکومت ودولتها نیزارتباط نزدیکی ومقتدرانه دارند که بسیارمهم وقابل توجه است.

وهمچنین ازمردم به عناوین مختلف پول دریافت می کنند مثل اعانه برای محرومین و یاهدیه وغیره که هم سبب ارتباط وپیوندقوی کلیسا وکشیش بامردم می شود و هم سبب اقتدارونفوذ درمیان مردم.

اکثرکشیشها باتوجه به دستورات دینی مقبول خود زندگی تجردومجردگونه ای دارند ودرعین زیست ساده و زاهدانه ازلطافت وزیباءی اخلاق ورفتاربادیگران ومردم وحاکمیتشان برخوردارهستند واین برمحبوبیت آنها درمیان مردم وحکومت می افزاید .

طلبه وروحانی اسلام وشیعه چون خانواده تشکیل می دهد طبیعتا دغدغه امورمالی وهزینه های زندگی وتعلیم وتربیت فرزندان خود ومسائل تحصیل اشتغال ازدواج سربازی ودهها مسئله دیگرزندگی

ص: 26

خود رادارد که اگرمتوجه رسالت الهی خویش نباشد درسیل مشکلات مسائل خانواده گی خود قرارمی گیرد ورسالت خود رافراموش می کند بصورتیکه شبانه روز سعی وتلاشش برای رفع حوائج مادی خود وخانواده صرف میشود ؛ بخصوص بازندگی صنعتی وشهرنشینی امروزحاجات ونیازهابشدت افزایش پیدا کرده است.

ودیگراینکه چون درزمان معاصر حاکمیت سیاسی را کشیش وکلیسا ندارندتوانسته اندازآسیب ها وآفات آن نیزخودرا حفظ کنند.وحال آنکه ماحدود چهاردهه است که حاکمیت سیاسی وحکومتی پیدا کرده ایم که رفتاروکردارومعیشت وزندگی حوزه وروحانیت ما زیرنظرمردم ورسانه ها شدیدا قراردارد و باید بسیارهوشمندانه وزاهدانه رفتارکنیم والاضربات شدیدی به دین وایمان مردم توسط ما وارد می شود.

ص: 27

البته ادیان منحرف غیرالهی وکفارغربی طبیعتا برعلیه کلیسا وکشیش تبلیغات مخربی دارند و گروههای بی دین ولاءیک برضدکلیسا وکشیش ساکت نیستند ومبارزه می کنند.

کلیسا وکشیش ها اززمانهای دورتشکیلات منظم و پیچیده ای دارند وهم بامخالفین خودشان مبارزات حساب شده ای دارند وهم سعی وافردارند تا نسل جدیدراهم ازدست ندهندوبر داشتهای خودبیفزایند.

وقتی بصورت لطیف ازجنگها و خونریزهای گذشته سوال شد؟ جواب دادند همیشه درمیان ادیان الهی کسانی بوده اند که افراط یاتفریط می کرده اند.

ویا اذعان واعتراف داشتند که یک فاصله محسوس وقابل لمسی بین کلیسا و کشیش با نسل جوان افتاده است وبخصوص رسانه ها مثل فضای مجازی وماهواره و موبایل ومجلات وروزنامه و رادیووتلویزیون که دراین راستا نقش پررنگی دارند. کانه یک

ص: 28

رنسانس جدید دوباره بعدازچهارقرن برسرکلیسا وکشیش واردشده است. ولی کلیسا درصدد رفع این چالش وبحران است.

وقتی خودشان وما اشاره به ارتکاب منافی عفت درمیان کشیش هااشاره و سوال کردیم؟ پاسخ صریح وروشنی دادنند که بله بعضی ازکشیش هابدستورات الهی پایبندنیستند ودچارانحراف می شوند ولی تعداد زیادی هم هستندکه براساس تعلیمات کلیسا مراعات تقوا وپاکدامنی را می کنند.

و درواقع انسان درهردین ومذهب ولباس ونژاد وفرهنگ وجغرافیاست که همیشه درمعرض خطا وگناه وآسیب است.

ازماسوال شدآیا شما هم بانسل جوان ورسانه ها مشکل دارید؟ که ماهم صادقانه اعتراف کردیم . نسل جوان ورسانه ها هم تحدیداست وهم فرصت واین ادیان الهی هستندکه درزمان معاصرباید باهم همکاری لازم ومنطقی راداشته باشند والا درسطح جهان نسل جدیدگرایش به لاابالی وهرزه گی ودین گریزی روی می آورد

ص: 29

واین یک چالش جدی برای همه ادیان آسمانی والهی ووحیانی است که به سه اصل مهم مبدا ومعاد ونبوت اعتقاددارند.

مرکزدانشگاه تربیت کشیش درآلمان یکدوره پنج ساله برنامه ریزی شده بود. کشیش جوان باید یک رشته علمی تامقطع دکتری دردانشگاه انتخاب می کرد ودرکنار آن تحت تعلیم وتربیت مرکزپرورش یا همان دانشگاه کشیشی قرارمی گرفت.

ازنکات مهم این بود که طلبه کشیش درسال اول بیشتربایدخودراجستجو می کرد وبه این می اندیشید که برای چه هدفی آمده کشیش شده است ؟ آیا برای رضای خدا آمده؟ آیا میخواهدبه خدا کمک کند؟ آیا می تواندراهب وزاهدشود وچشم ازلذت ها مادی دنیا بپوشد؟ یعنی سال اول بیشترخویشتن شناسی وخودیابی بود تادرس وبحث وبتعبیرماسال اول بیشتر ارتباط باخود بود وتنظیم آن با خدا وکلیسا ودین ؛ وعلم آموزی بمعنای مصطلح آن نبود بلکه این خویشتن یابی بود و بااساتید مجرب وبا تجربه سعی

ص: 30

می کردنندخودرا پیدا کنند . چیزیکه ضرورت آن را ماهم دردنیای مدرن وصنعتی جدید برای طلابمان حس می کنیم.

ودوم مدیریت معنوی واخلاقی ومنظم و علمی رءیس دانشگاه تربیت کشیش درآنجابود که خودراوقف این کارکرده بود. وچون راهب ومجرد بود وقت کافی دراین زمینه بسیارداشت.

که بازواقعیت این است که متاهل ودارای خانواده بودن هرچندبرای انسان رشدوکمال است اما وقت زیادی هم ازانسان می گیرد.

ازنکات قابل توجه دیگراین بود که امتحان بمعنای حفظ ونمره درکل دوره تربیت کشیش جایگاهی نداشت وبیشترشفاهی بود و نتیجه عملی برای آنها مهم بود.

اگرکسی پایان دوران تعلیم وتربیت کشیشی نمی خواست کشیش باشداجباری درکارنبود بلکه مدیر آنجا می گفت می تواندبرود زندگی عادی ومعمولی رابرای خود انتخاب کند و اولااین دوران برای خودش خیلی مفیدبوده وتاپایان عمریک مسیحی متدین باقی

ص: 31

خواهدماند وثانیا می توانداستاد دروس کشیشی باشد ولی کشیش نباشد. وازاین طریق به دین وکلیسا خدمت کند.

ازنکات تبلیغی وآموزشی مهم کلیسا این بود که دانشجوی کشیش درمیان دوران تعلیم وتربیتش یک کلیسا درکشورخارج رابایدانتخاب کند ومدت شش ماه رادرآنجا بماند وبتبلیغ دین وخودسازی بپردازد.

و همچنین نکته جالب توجه این بود که درهمان سالهای اولیه کشیشی بعنوان مبلغ به کلیساها اعزام می شدند تا درکنارکشیش باتجربه کشیش بودن ووظایف آن راتجربه وحس کند.

حجره های کشیش بصورت تکنفره بود وخلوت وسکوت وآرامش و روزه سکوت و نمازهای روزانه ودعا دربیشترین اعمال جزء برنامه های جدی تربیت کشیش بود.

بااینکه تعدادزیادی اززنان حدود15 نفردرمرکزتربیت کشیش مشغول کاربودنند وشغلهای آشپزی و نظافت ونگهبانی واداری

ص: 32

رابرعهده داشتند و ازپوشش نسبتامناسبی هم برخورداربودنند لکن کشیشها و مدیران آنجابرخورد بسیارراحت وآرامی را با آنها داشتند بگونه ای که هرکسی سعی درکارخود داشت و مزاحم دیگری نبود. آدم احساس می کردجزخودش کسی درآنجا وجودندارد.

قابل توجه اینکه روزاولی که ما وارد مرکزتربیت کشیش شدیم

رئیس مرکزضمن خوش آمدگوئی وتوضیح مختصری درباره موقعیت مکانی مرکز بااحترام وآرامش خاصی به هرکدام ازماحجره ای تک نفره ای داد که درواقع یک سوءیت کامل بودواین سبب شدماازنزدیک شاهدمعاشرت ورفتار آنها باشیم.

هرسوئیت یک کلیدداشت که این کلیدعلاوه براینکه درب سوئیت رابازمی کرد درب اصلی وفرعی ورودی اصلی مرکزتربیت کشیش رانیزبازمی کرد.اینکه کلیدها به این شکل طراحی وساخته شده بود واینها دراین حد به ما اعتمادکردنند و روزاول چنین کلیدهائی به

ص: 33

مادادنند واقعا مهم ونشانه انسانیتشان بود ودرمحیط تربیت کشیش اینهاسعی کرده بودنند اصل رابراعتمادسازی وامین بودن بگذارند.

به همین شکل درجامعه تاحدودزیادی اعتمادسازی شده بود مثلاشخص بلیط یک ماهه قطارشهری تهیه می کرد وبتعداددلخواه بدون محدودیت سوارمیشد.

نظافت وپاکی درهمه جا بسیارمشهود بود. خادمین کشیش ها حجرات واطاقها راروزانه تمییز ومنظم می کردنند وازملیتهای مختلف نیزدانشجوی کشیش درآن مرکزمشاهده میشد . سیاه وسفید و نژادهای مختلف درس دینداری رامی آموختند.

درمرکزتربیت کشیش کلیسای مخصوص خود داشتند که روزانه چندنوبت بصورت دسته جمعی درآنجا نمازودعا می خواندند.

ازسال دوم باکتاب مقدس عهدقدیم وجدید آشنا می شدندوروزانه آن رامی خواندند یعنی کشیش ها به کتاب مقدسشان انجیل بسیاراهمیت می دادنند ومرتب می خواندند.

ص: 34

ازنماد شمع بعنوان نورگرفتن درمراسماتشان بسیاراستفاده می کردنند وآن رابه انواع زیباءی درست کرده بودنند. ودرفروشگاهها شمع بوفوریافت میشد.

ازتصویرومجسمه درکلیساها و مراکزشان بسیاراستفاده کرده بودنند تاجائیکه ماحس می کردیم کلیسانمایشگاه نقاشی ومجسمه است.

کلیسای بزرگ واصلی و مرکزی و کلیساهای محلی وشهری وروستاءی داشتند.

بسته به موقعیت آنها ازتصاویرونقوش و مجسمه درآنها بکاربرده بودنند.

سبک ومعماری های مشخصی درادوارتاریخ درکلیساهای اروپا به کاررفته است.

بعضی ازکلیساها بخاطرقدمت بیش ازهزارسال تبدیل به موزه و آثارباستانی شده بود ولی هنوزدرعبادات ودعاها ومراسم ومناسبتهاازآن استفاده می کردنند.

ص: 35

درکل کلیساها ازنماد وآثارهنری بسیاراستفاده کرده اند وعبادات ودعاهای آنها باانواع نمایش و آداب همراه است. بسیاری ازمفاهیم دینی راتبدیل به نماد ونمایش کرده اند که به قطع ویقین درابتداء به این شکل نبوده است. اینکه انسان مفاهیم دینی رابه شکلی حتی بصورت اشکال ونمایش وآداب ورسوم دینی تبدیل ودرک کند خوب وشایسته است ولکن وقتی به متن دین تبدیل والزام آور شود تحریف است. نقاشی عصرعاشورا توسط استادفرشچیان نمونه بارز آن درفرهنگ شیعه واسلام است که هرچند هنری وحامل پیام عاشوراست لکن تبدیل به متن دین نشده است وهمه می دانند یک اثرهنردینی است.

وجودکلیساهادرنقاط مختلف شهروروستا وجاده پراکنده بود وهمه جاکلیسا وجود داشت.

بنابرآمارخودشان بیش ازده هزارکلیسا ی کاتولیک فقط درکشورآلمان وجود داشت و بیشترازاین تعداد کشیشان بود.

ص: 36

مراسمات زیادی هنوزبصورت سنتی درکلیساها انجام می گرفت مثل عروسی و مرگ واین سبب پیوندکلیسا بامردم میشد.

ازتعلیمات کشیشی آشنا شدن آنها باتاریخ مسیح ومریم ومسیحیت وکلیسا وکشیش بود ؛ که ازنظرهویت و ماهیت بخشی تاثیرشگرف برکشیشان نوآموز داشت ودارد.

مادرطول یک هفته به اندازه عمرمان ازکلیسا وکشیش عیادت کردیم و ازنزدیک عبادات ونماز ودعای آنها رادیدیم.

جالب اینکه روزیکشنبه بتعبیرمانمازجمعه داشتند وبه تعبیرخودشان نمازجامع که حدود یکساعت ونیم طول کشید که علاوه برقراءت کتاب مقدس ودعا درفواصل مختلف چندنفروهمچنین گروه کر دعای را بصورت سرود خواندند.

مراسم با یک چینش خاصی بود وکلیسای بزرگ شهرفرایبورک کاملا پرازجمعیت بود.

ص: 37

مادرواقع آشنا نبودیم کجا باید بایستیم و کجابنشینیم واینها را باتوجه به راهنما انجام می دادیم.

واقعامهم است که مردم متدین ساعاتی ازروزتعطیلشان را به عبادت باخدا می پردازند.

دعاونیایش وتوجه بخدا وکنترل اعمال ورفتاردرمیانشان مشهود بود. اعمال عبادی و دعا رابایک جدیت خاصی انجام می دادنند ودرتمام لحظات آن ساکت و باتوجه بودنند مثل این بود که جزبرای دعا وعبادت برای کاردیگری به کلیسا نیامده اند.

به اندازه کافی برای همه کتاب مقدس وجود داشت وتقریبا همه هم ازآن استفاده می کردنند. بیشترافراد آدمهای میانسال ومسن بودنند ولکن جوانانی هم درکلیساوجود داشتد. مشهود بود که این اعمال راسالهاست انجام می دهند وبه آن انس دارند.

ص: 38

استفاده ازموسیقی وسبک خاصی ازآن تقریبا درتمام کلیساهای بزرگ وکوچک مرسوم بود وخودشان تاریخچه وفلسفه خاصی هم برای آن قائل بودنند.

هرچنداین اعمال وآداب واستفاده فراوان ازمجسمه وتصویرونقاشی برای ماتعجب آوروموردپرسش وبحث بود منتهی توجه داشتیم اینها دربعضی ازمقاطع تاریخ برای حفظ اصل دین وآئین مسیحیت اینها رابه کلیسا ودینشان واردکرده اند که دراثرمرورزمان بصورت سنت وقانون والزام تبدیل شده است.

چون همسفران ما همه ازاساتید وعلمای برجسته اصفهان بودنند وهرکدام دررشته ای تخصص داشتند ومابعنوان رجال علمی ومذهبی به کشورآلمان سفرکرده بودیم حوزه کاری وجلسات وبرنامه ها ودیدارها همه درحوزه دین و مسیحیت وکلیسا وکشیش واسلام وحوزه علمیه وروحانیت وادیان الهی وشناخت طرفین بود.

ص: 39

## بخش دوم: تاریخ وجغرافیای غرب

بعضی غرب شناسان غرب را بیشتربه جغرافیا وخاک وکشوروسرزمین تعریف کرده اند. وگفته ونوشته اندغرب یعنی کشورهای اروپا مثل آلمان؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ انگلیس ؛ هلند: سوئد؛ آمریکا ؛ وکانادا است. و بعضی غرب رابه یک سبک اززندگی و بینش وگرایش وروش وعلم وتکنولوژی تعریف کرده اند که هردودرجای خوددرست است.

منظورمن ازغرب یک تعریف معرفت شناسانه و انسان شناسی است که بیشتربه تعریف دوم ازغرب نظردارد.

یک پدیده ای دردنیا بوجود آمده وآن این استکه انسان غربی متولد شده چیزی که هنوزخیلی ازدانشمندان اسلامی وشرقی فهم درستی ازآن ندارند.

ص: 40

آنچه تاریخ حدود ده هزارساله بشراززمان هبوط آدم که ما با آن روبروبودیم انسان شرقی است وتمام دینها وادیان آسمانی والهی هم براساس اسنادموجوددرهمین محدوده خاورمیانه وشرق بوده است . آنچه ازمعرفت النفس وانسان وخدا وقانون وسرنوشت وجبرواختیاروقضا وقدربحث می شده است همه درچارچوپ انسان شرقی بوده است ؛ هرچندسخن ازفطرت وسرشت وعوالم خلقت وانسان بحث شده است ومربوط به تمام انسانهابوده است منتهی آنچه دربیرون دیده می شده ومصداق بوده انسان شرقی بوده است. فهم ماازانسان درمصداق و وجودخارجی انسان شرقی بوده است.

لکن بعد ازحدود ده هرارسال ازتاریخ بشریت روی زمین حدودیک قرن است که انسان غربی به اراده الهی متولدشده است که مبداآن ازقرن 16 دوران رنسانس شروع میشود وبعدازجنگ جهانی اول و دوم انسان غربی به بلوغ می رسد وزمان ماکه به یک انسان کامل تبدیل شده است.

ص: 41

بعضی درکتابهای غرب شناسی تعبیرکرده اند که غرب محل ظهوروتجلی نفس اماره بصورت کامل است که بنظرمی رسد تعبیرگویا برای کل بشراست . زیرادرتاریخ غرب وشرق این ظهوررابه کرات دیده ایم وهنوزازبشرقربانی می گیرد.

تاریخ قرون وسطا ی غرب وداستان تفتیش عقاید و جنگهای صلیبی و فرقه ای و جغرافی ومذهبی وجنایتهائی که درغرب برسربشرآمده است ویااستعماردیگرسرزمینها درطول چندقرن معاصر رامنکرنیستیم منتهی تاریخ شرق هم دراین زمینه پرونده قابل توجه دارد. مطالعه تاریخ ابعادضدبشری درغرب وشرق را باید بدون تعصب ومعرفت شناسانه بررسی گردد یعنی هم دربعد تاریخی وهم دربعد کلامی. حتی این پیشنهاد ما درتاریخ اسلام واسلام شناسی تاریخی وکلامی نیزاست.

آنهائی که شیفته غربند ویامامورومزدورویامتنفروضدغرب دسترسی وتحلیل دقیقی نمی توانند ازغرب داشته باشند.

ص: 42

بایدتوجه کردکه اروپاتاحدود 70سال پیش دردوجنگ جهانی (تا1954میلادی) به ویرانه ای تبدیل شد ولکن با خیزش جدی واساسی وبرنامه ریزی دقیق وحساب شده امروزبه این کشورهای پیشرفته تبدیل شده اندکه موجب شگفتی شده اند.

انسان غربی براساس اعتقادات ما همان انسان ازنسل آدم وحواست ولکن درهمه چیزباانسان شرقی متفاوت است. مرام ومسلک وعلم ودین و عقیده انسان غربی بهت آوراست.

چنددهه است که انسان غربی وشرقی نگاه به هم انداخته و به روی هم چنگ و جنگ زده اند ولی هنوزهمدیگرراخوب نشناخته اند. چنگ وانگ زدن وسوء ظن داشتن به همدیگرمشکل راحل نمی کند بلکه پیچیده ترهم میکند.

دانشمندان دوطرف هم از هرطرف دچارافراط وتفریط شده اند و یا متهم به غربگرا وشرقگراشده اند واین همه بخاطرتولد موجودجدیددرعالم خلقت است.

ص: 43

واقعا آموزهای دینی والهی دراین زمینه راهگشاست وتوجه به مسئله منجی وآخرالزمان وجنگ ویا گفتگوی تمدنها واتحادیه اروپا ؛ ناتو؛ مجامع بین المللی ؛ حقوق بشر؛ادیان الهی ؛علوم تجربی ؛ صنعت وتکنولوژی ؛ محیط زیست وامثال اینهادراین میان بایدتحلیل وبررسی شود.

حوزه های مختلف علمی ؛دینی؛ فرهنگی؛ اجتماعی ؛ سیاسی ؛نظامی؛ امنیتی و... باید تعریف وبرای طرفین شناخته شود.

بنظرمن شرایط شناخت طرفین انسان شرقی وغربی با سرعت کندی درحال انجام است وهنوزخروجی جهانی نداشته ؛ امیداست منجربه جنگ وخونریزی نگردد.

بله من به اتفاق شش نفرازدوستانمان واردسرزمینی شدیم که هرکدام ازما براساس مطالعات وبینش علمی وشخصی برداشتهای خودمان راداشتیم. من درلابلای کلام دوستانم برداشتهای متفاوت ظاهری وباطنی وساده وعمیق راحس می کردم منتهی همه خوشحال

ص: 44

بودنندواردسرزمین ناب وجدیدی شده اند که بادنیا وزندگی خود متفاوت است وتفاوتها از زمین تا آسمان است حتی اینجااروپا طبیعت وآب و هوایش روی دیگرسکه رابه مانشان می دهد. مابه آنها وآنها به ما نگاههای عمیقی داشتیم وسعی می کردیم دراین فرصت محدودغرب وانسان غربی راازنزدیک بشناسیم.

و واقعا این کارمشکلی بودهزاران مطلب وعقیده وموضوع درسرداشتیم ولی نمی دانستیم دراین فرصت محدود چه مطلبی رابه اینها ارائه کنیم ولی آنچه برای من مسلم شد دیدم چقدراینها مشتاق شنیدن حرفهای ماهستند. ولی آیا ماچقدرخودرادراین زمینه آماده کرده ایم.؟

در شش جلسه جدی ورسمی که داشتیم متوجه شدم چقدراینها نسبت به ما و دین ما وعقاید ورفتار و کردارماو.....آشنائی کم دارند و وقتی ما بحث های ساده ومعمولی علمی ودینی ومذهبی و فلسفی می کردیم شگفت زده می شدند.

ص: 45

وقتی من ازآنها ازاقالیم ثلاثه و رابطه آن باتوحیدسوال کردم؟ گفتندفکرنمی کردیم شما اینقدردانشمندباشید؟

وقتی ازرجعت و بازگشت وزنده بودن حضرت مسیح صحبت وسوال کردیم متحیرشدند؟

وقتی ازمقامات حضرت مریم درقرآن گفتیم شگفت زده شدند.

وقتی اشاره ای به توحیدخالقیت وربوبیت کردیم به چشمان ما زل زدنند؟؟

حال ما مانده بودیم ازفلسفه هزارساله مشا و هفتصدساله اشراق و چهارصدساله حکمت متعالیه برای آنها چه بگوئیم.

یا ازفقه و اصول و تاریخ اسلام وکلام وعرفان اسلامی وتفسیرقرآن وحدیث چه بگوئیم.؟

من بتحقیق برایم ثابت شد جزبه تعداد محدود وانگشتان دست تمام دانشمندان وعلمای اسلامی که به غرب رفته اند انتشاراسلام را درحد وحدود تبلیغ ارائه کرده اند ومراکزاسلامی ودینی وفرهنگی

ص: 46

ومساجدی هم که درغرب فعالیت دارند بیشترتبلیغی وترویجی بوده است و ما ودانشمندان اسلامی وحوزوی هنوزبصورت علمی درغرب کرسی تدریس اسلام شناسی برگزارنکرده ایم و یک مطالبی بصورت سطحی ازاسلام تبلیغ کرد ه ایم. که اگربه این مسئله توجه نشود اسلام اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین ریشه در غرب پیدا نمی کند وبهترین جای نشر علمی اسلام دانشگاهها و کلیساها و دست آخررسانه های آنهاست.

قطعا گوش ها وقلبهای زیادی ازسرزمین غرب منتظرآشنا شدن عمیق با دین اسلام هستند چیزیکه با تبلیغ و رسانه ها بدست نمی آید بلکه نیازبه کلاس وآموزش وپرورش وپژوهش وکتاب وکتابخانه واستاد دارد.

ص: 47

## بخش سوم: دین ومردم وفرهنگ اروپا

اگرکسی سطحی وظاهری به وضعیت غرب نگاه کند شاید باورنکند که مردم اروپا وغربی مومن ومتدین هستند. هرچندرسانه ها و بعضی ازرفتارو سبک زندگی آنها با معیارها وارزشهای ما مطابقت ندارد ولی باید فریب رسانه های غربی رانخورد که از آدمهای غربی چهره ای بی دین ترسیم کرده اند . همان نکته دقیقی که مقام معظم رهبری درنامه شان به جوانان غرب اشاره کرده بودنند که اسلام راازطریق مطالعه صحیح بدست آورند نه ازطریق رسانه ها؛ زیرا دشمنان خدا وادیان الهی قصددارند مردم جهان را بی دین و ضد دین نشان بدهند ودر این میان به اهداف سیاسی واقتصادی واجتماعی وفرهنگی خود که برده گی بشراست دسترسی پیدا کنند . عین همین رفتارراهم نظام سلطه خبری نسبت به انسان شرقی برای غرب داشته است وانسان شرقی را انسانهائی بدون تمدن وفرهنگ ترسیم کرده اند وبخصوص مسلمان را چهره تروریسم وخطرناک معرفی کرده اند

ص: 48

وکشورهای اسلامی را ناامن ووحشتناک ترسیم کرده اند که دراین زمینه تمام مردم متدین دنیا ی غرب وشرق باید هوشیارباشند .

برای ما که باکنجکاوی وبحث ونظردقیقا مشخص شد که عصاره برداشت ما این بود که غرب و اختصاصا اروپا توجه جدی به دین دارند وخدا وارتباط با آن ازدغدغه های جدی آنها است.

باید توجه داشت صرف قضاوت براساس پوشش آنها قضاوتی عجولانه است وآمارهای جنسی درغرب نیز بسیارگمراه کننده است .

برای کسیکه می خواهددرغرب کارعلمی واسلامی انجام دهد تیزهوشی ودقت دراین مسائل بسیاراهمیت دارد.

بلکه اگرکسی برود وازنزدیک زندگی اینها رابررسی کند ارزشها وخوبیهای فراوانی درعین ناهنجاریها مشاهده می کند که به چندنمونه ازهنجارهای آنها اشاره می کنم:

ص: 49

1.توجه به آداب معاشرت

2.آشنائی باکتاب مقدس

3.ارتباطات براساس عقلانیت وعاطفه

4.ادب واحترام

5.نظم وتمییزی

6.آرامش خاص

7.قانونمندی

8.روحیه تشکر

9.مهمان نوازی

10.بروشورهای تبلیغاتی درهمه جا ومعرفی وراهنمائی

11.مدیریت آراسته

12. توجه به تاریخ و فرهنگ خود

13.خوش خنده؛ اهل طنزوشوخ طبعی

ص: 50

14.تعدادزیادکشیش و کلیسا ی کاتولیک

15.احساس خطربرای نسل معاصر

16.حفظ سنتها

17.ترمیم بناهای تاریخی به مدرن وزیبا

18. حفظ اعتقادات قدیمی وسنتی که نمونه های فراوانی دارد.

19. اکثر کشورها وشهرهای غربی بخصوص دراروپا فاحشه خانه رسمی ندارند.

20.قمارخانه ندارند لکن مثل بلیطهای بخت آزمائی دارند.

21.تحمل نژادهای مختلف وترکیب جمعیتی وزندگی جمعی سالم ومسالمت آمیز صرف نظرازتعدادی آدمهای محدودنژادپرست.

22. مصرف مشروب بصورت محدود وکنترل شده.

23.روزشنبه ویکشنبه هم به طبیعت گردی وهم به دیداراقوام می روند.

ص: 51

24.مردم متدین وسنتی هستند هرچندمثل بقیه دنیادراثرارتباطات فرهنگشان درحال دگرگونی است.

25.دارای مراکزتفریحی سالم مثل ورزشگاه ؛ موسیقی.

26.پارک وفضای سبز قابل توجه.

27.سیستم حمل ونقل بسیارمرتب ومنظم.

28.عموم مردم بی آزارو آرام .

29. اهل نماز ودعا وتوسل وشفاعت و مفاهیم خاص عبادی ودینی که بسیارمهم است.

30.اهل خانواده و خانواده دوستی.

درواقع بسیاری ازاین نکات آموزهای الهی ودینی است که بصورت مدرن بکارعینی واجتماعی گرفته اند. مگه این همه پایبندی فقط بخاطرقانون است . نه؟؟ بلکه به خاطراعتقادات الهی ودینی نیزمی باشد.

ص: 52

اینها زمینه های مناسب وفرصت و ظرفیتهائی است که باشناخت آنها به ما کمک می کنددرنشرعلمی اسلام ناب محمدی ( ص) درغرب موفق شویم.

پرواضح است که غرب شناسی وشناخت انسان غربی به این ساده گیها نیست ومطالعه ودقت فراوان می خواهد.

نگاه به چندآیه قرآن دراین شناخت به ما کمک می کند:

1-یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ . [سوره الحجرات (49): آیه 13]

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره ها و قبیله ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است.

ص: 53

تفسیر: مقصود از این که همه ی انسان ها از یک مرد و زن آفریده شده اند، آن است که نژاد همگان به «آدم و حواء» بازمی گردد؛ بنابراین ریشه ی همه واحد است و برتری قبایل و ملت ها و نژادها بر هم دیگر بی معناست.

خدا انسان ها را به صورت قبیله ها، ملت ها، نژادها و رنگ ها آفرید، تا مشخصات فردی و اجتماعی همگان یکسان و شبیه به هم نباشد و بتوانند با این تفاوت ها هم دیگر را شناسایی و نظم زندگی اجتماعی را حفظ کنند و از هرج و مرج جلوگیری نمایند و نیز با دست آوردهای ملت های دیگر آشنا شوند، و راه رشد و تکامل اجتماعی را بپویند.

ارزش ها در میان ملت ها و گروه های اجتماعی متفاوت است. برخی انتساب به یک نژاد و ملت و یا قبیله را مایه ی افتخار و ارزش می شمرند و برخی سرمایه های مادی را نشانه ی ارزشمندی و

ص: 54

شخصیت افراد می پندارند و برخی مقام های اجتماعی و سیاسی را معیار برتری می دانند.

اما قرآن کریم در مجموع چند ارزش اصیل را معرفی کرده که معیار برتری انسان ها بر هم دیگر است:

الف) تقوا و پارسایی؛

ب) علم و دانش؛

ج) جهاد و مبارزه؛

د) بصیرت و شناخت.

این آیه نظام ارزشی اسلام را ترسیم می کند و مرز ارزش های واقعی و اصیل را از ارزش های دروغین و ظاهری جدا می سازد و ارزش اصیل را تقوا معرفی می کند؛ یعنی می گوید: نزدیک ترین و باکرامت ترین شما پارساترین و خودنگه دارترین شماست؛ چراکه علم و جهاد و بصیرت هم آن گاه باارزش است که همراه با تقوا باشد، و گرنه ممکن است انسان را به پرتگاه بکشاند.

ص: 55

تذکر این نکته لازم است که نفی نژادپرستی به آن معنا نیست که مردم به وطن و ملیت خود اعتنا نکنند و احترام نگذارند و از ارزش های اصیل ملّی و میهنی دفاع نکنند، بلکه منظور آن است که نژاد و ملیت را یک ارزش اصلی و معیار برتری ندانند.

در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که در ایام حج و در سرزمین مِنی به مردم فرمود:

ای مردم! بدانید، خدای شما یکی است و پدرتان یکی است؛ نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب؛ نه سیاهپوست بر گندمگون و نه گندمگون بر سیاهپوست برتری دارد مگر به تقوا.

سپس پرسید: «آیا من دستور الهی را ابلاغ کردم؟»

همگان گفتند: آری.

حضرت فرمود: «این سخن را حاضران به غائبان برسانند.» (الدّر المنثور، ج 6، ص 98؛ تفسیر قرطبی، ج 16، ص 342؛ تفسیر مراغی، ج 26، ص 143 و تفسیر المیزان، ج 18، ص 334)

ص: 56

اسلام می خواهد که همه ی انسان ها، با هر نژاد و ملیت و قبیله ای که باشند، زیر پرچم واحد توحید و تقوا گرد آیند و دیدگاه های تنگ و محدود را کنار گذارند و جاهلیت را رها کنند و به ارزش های اصیل انسانی هم چون تقوا روی آورند.

ارزش اصیل انسان تقواست، اما از آن جا که تقوا امری باطنی و قلبی است، ممکن است هر کس در مورد آن ادعای کاذب بکند؛ پس سنجش آن نزد خدا و به وسیله ی اوست که به همه چیز دانا و آگاه است.

آیا این ملاکها مربوط به کل بشروانسان غربی نیز نمی باشد؟

2-افَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنکُمْ عَبَثًا وَأَنَّکُمْ إِلَیْنَا لَاتُرْجَعُونَ\* فَتَعلَی اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لَآإِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ.(مؤمنون- 115و116).

و آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم، و اینکه شما به سوی ما باز گردانده نمی شوید؟!\* پس والاتر است خدایی که سلطان حق

ص: 57

است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پروردگار تخت ارجمند (جهانداری و تدبیر هستی) است!

تفسیر: . این آیات به دو مطلب اساسی اشاره دارد:

الف) جهان هدف دار است و بیهوده آفریده نشده است.

ب) جهان دیگری در پس این دنیا وجود دارد و همه به سوی خدا بازمی گردند و رستاخیزی در پیش است.

اگر جهان با این عظمت و مقدمات و برنامه هایی که دارد، صرفاً برای همین چند روز دنیا باشد، زندگی پوچ و بی معنا می شود.

پس آفرینش جهان هدفی بزرگ دارد که همان بازگشت به سوی خدا و رستاخیز است و هر کس نتیجه ی اعمال خود را در آن جا خواهد دید و کمال نهایی جهان تحقق خواهد یافت.

در این آیات به چهار صفت خدا اشاره شده که همه ی آنها با هدف داری جهان ارتباط دارند. این صفات عبارت اند از:

ص: 58

مالکیت و حاکمیت خدا، حقانیّت وجود خدا، شریک نداشتن خدا و مقام ربوبیّت و پروردگاری او.

یعنی اگر خدا باطل باشد ممکن است آفرینش باطل و بیهوده ای داشته باشد، اما خدایی که خود حق است، جز حق از او صادر نمی شود.

و نیز اگر خدا ناتوان یا دارای شریک باشد، ممکن است کسی او را از هدفش باز دارد، اما اگر خدایی یکتا، مالک و حاکم بر جهان باشد، می تواند هدفی والا و جهانی دیگر در پس دنیا قرار دهد؛ چون کسی نمی تواند مانع در برابر او ایجاد کند.

و نیز خدایی که ربّ و تربیت کننده است و جهان تحت زمام داری اوست، حتماً هدفی در پرورش و اصلاح جهان دارد.

آیا این همان خدای غرب نیزنمی باشد؟

3-«یَوْمَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعالَمِینَ» (سوره مطففین 6)

ص: 59

یعنی روزی که مردم برای پروردگار جهانیان قیام می کنند

قرآن می فرماید رستاخیز عظیم مربوط به کل بشریت هست وهمه درروز قیامت محشورمی شوند.

4-وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاَّ رَحْمَهً لِلْعالَمِینَ (107: سوره انبیا)

ترجمه: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم

تفسیر:پیامبر رحمت برای جهانیان

از آنجا که آیات گذشته بشارت حکومت روی زمین را به بندگان صالح می داد و چنین حکومتی مایه رحمت برای همه مردم جهان است در نخستین آیه مورد بحث به رحمت عامه وجود پیامبر ص اشاره کرده می گوید:" ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم" (وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَهً لِلْعالَمِینَ).

عموم مردم دنیا اعم از مؤمن و کافر همه مرهون رحمت تو هستند، چرا که نشر آئینی را به عهده گرفتی که سبب نجات همگان است،

ص: 60

حال اگر گروهی از آن استفاده کردند و گروهی نکردند این مربوط به خودشان است و تاثیری بر عمومی بودن رحمت نمی گذارد.

این درست به آن می ماند که بیمارستان مجهزی برای درمان همه دردها با پزشکان ماهر و انواع داروها تاسیس کنند، و درهای آن را به روی همه مردم بدون تفاوت بگشایند، آیا این وسیله رحمت برای همه افراد آن اجتماع نیست؟ حال اگر بعضی از بیماران لجوج خودشان از قبول این فیض عام امتناع کنند تاثیری در عمومی بودن آن نخواهد داشت.

و به تعبیر دیگر رحمت بودن وجود پیامبر برای همه جهانیان جنبه مقتضی و فاعلیت فاعل دارد و مسلما فعلیت نتیجه، بستگی به قابلیت قابل نیز دارد.

تعبیر به" عالمین" (جهانیان) آن چنان مفهوم وسیعی دارد که تمام انسانها را در تمام اعصار و قرون شامل می شود و لذا این آیه را

ص: 61

اشاره ای بر خاتمیت پیامبر اسلام می دانند، چرا که وجودش برای همه انسانها آینده تا پایان جهان رحمت است.

ازآیات فوق وصدها آیات دیگرقرآن می توان استنتاج کرد که دین اسلام وقرآن ونبوت ومعاد وتوحید مربوط به کل بشریت است وکتاب الهی ومکتب مادراین زمینه رسالت جهانی دارد. وباید این معارف ناب الهی رابه دست کل انسانهابرسانیم.

نکته مهم دیگری که اینجابایدتوجه داشت این است که دراثر ارتباطات جدیدجهانی فرهنگ ملت اروپا درابعادمختلف نیزعوض شده است بعنوان مثال خیابان شانزالیزه درفرانسه که زمانی مظهرتاتروموسیقی ورقص و آوازوبرنامه ها وسبک های گوناگون ادبیات بود امروزه آن مکان تبدیل به مراکزاقتصادی وتجاری وفروشگاه شده وآن هنرهابصورت دیگری ارائه میشود.

یعنی در این زمان مقوله اقتصاد بیشترموردهدف واقع شده تافرهنگ ؛ وفرهنگ درقالب کالای اقتصادی ارائه میشود تاهنروعشق واین

ص: 62

دگردیسی درتمام کره خاکی اتفاق افتاده است یعنی یک سبکی ازلیبرال درتمام دنیا حاکم شده است. دیگرازآن شبهای رویائی شان....خبری نیست وباید درسایت ها ومجلات و کتابها ودانشگاهها آن راجستجوکرد.

تمام اینها نشان ازتحول جهانی می دهد واین بمعنای آن است که بایدمابرای این شرایط خود راازجهات مختلف آماده کرده باشیم.

## بخش چهارم: ارتباط حوزه علمیه وروحانیت باغرب

حوزه علمیه امروزبا یک تقاضاهای جدیدی درداخل و منطقه واسلام وجهان غرب روبروست که نسبت به گذشته بی سابقه است.

یعنی یک ظرفیت عظیم درمقابل حوزه هاایجادشده است که جز اولا بادرک عمیق آن وثانیا برنامه ریزی دقیق و ثالثاحرکت جهادی امکان پاسخگوبودن به آن رانداریم.

ص: 63

حوزه علمیه نیاز به : 1-شناخت وآگاهی2-نیازسنجی3-آسیب شناسی4-طراحی5-برنامه ریزی وقانون 6-هماهنگی7-اجراء8-نظارت وارزیابی دارد.

من باتحقیق دراینجااعتراف می کنم حوزه های علمیه هنوزشناخت کافی و وافی ازاطراف پیرامون خودندارند بلکه با یک سری گزارهای نخ نما در گوشه وکناربه اهمیت این مطالب اشاره می کنند بدون اینکه یک مدیریت وبرنامه ریزی جامعی رابرای آن شاهد باشیم.

بیشتربزرگان حوزه تا صحبت می کنند حالت موعظه ای ودستوری وازبایدها سخن می گویند بدون اینکه شرایط آن فراهم شده باشد .بین سطوح مختلف حوزه گفتگودرمسائل اصلی حوزه علمیه کم است وتبادل طرفینی ازپائین به بالاخیلی وجود ندارد. که من درچندیادداشت ومقاله به آنهاپرداخته ام.

ص: 64

بعضی ازمتولیان حوزه علمیه تاتعریفشان ازحوزه علمیه تربیت مبلغ برای مساجدکشورووعظ وموعظه ویا امثال اینها باشدنمی توان توقع نشراسلام ناب محمدی ( ص) رادرجهان غرب داشت.

تازمانیکه اردوگاه غرب راکامل مطالعه وشناسائی نکرده باشیم وتا با عده وعده برای آن برنامه ریزی نکرده باشیم چگونه انتظارتحول اسلامی درجهان غرب راداریم.

حوزه علمیه می بایست دستورات ومنویات مقام معظم رهبری که بصورت خردوکلان مطرح شده یعنی طرح تحول حوزه علمیه رادردستورجدی خود قراردهد. خودراترمیم کندوبرای آینده دورونزدیک برنامه ریزی کند.

حضرت امام راحل قدس سره فرمودنند:

از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. ان شاء اللَّه ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام

ص: 65

انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.( صحیفه امام ج 21 ص47 پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه(قبول قطعنامه 598)

امیداست روزی این ناقوسها درکلیساها به صدا درآید ومستضعفین جهان گردهم آیند برای اقامه عدالت.

شایداین بهترین راه برای کنترل ومدیریت بحرانهائی باشدکه توسط غرب آفریده می شود.

حرکتهای فردی ومقطعی و محدود که درحال انجام است همه درحوزه تبلیغ است واین تبلیغ بیشترتاثیرروی هموطنان خود ومسلمانان آنجا دارد و نه تحول عظیمی که انتظار آن را می کشیم.

ص: 66

تعدادی ازعلما وروحانیت حوزه علمیه اصفهان الان درکشورهای غربی فعالیت می کنند که اکثرآنها دراثرتکلیف شخصی وفردی به آن سرزمین هجرت کرده اند بدون آنکه سیستم ونظامی حوزوی ازآنها حمایت وپشتیبانی بکند.

آیا واقعا آیه شریفه إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِم (رعد آیه 11) مربوط به ما می باشد ویامربوط به همه زمانها ومکانها و ادوارتاریخ است.

بیشترین نشراسلام وادیان رادرگذشته سیروسیاحتها ومسافرتها ومهاجرین و تجارانجام داده اند و دراثرمعاشرت اسلام رانشرداده اند لکن دراین زمان نشرعلمی اسلام با برنامه ریزی وجهادهمه جانبه انجام می پذیرد.

اگرگروههای لائیک وبی دین و مسلمان وروحانیت نماهای منحرف سرزمین غرب رافتح کنندکارما دوصدچندان مشکل می شود.

ص: 67

عزیزان مومن و عالم ونازنینی که باما همسفربودنند همه تشنه گی واشتیاق آنها رابرای شنیدن حقایق اسلام لمس کردنند.

نه کسی ازگفتاروکلام اسلامی مادرغرب رنجید و نه ماراازخود بیرون راندند بلکه همه اش استقبال بود.

پروفسوراوده کشیش مسیحی استاددانشگاه مسیحی آلمان درکلاس عمومی اسلام شناسی وقرآن شناسی یکساعت و چهل وپنج دقیقه درجمع حدود 200 نفره سخنرانی کرد نه ازمستمعین کسی خسته شد ونه جلسه راترک کردنند بلکه حدود چهل وپنج دقیقه دیگرکه دونفرازهمسفران ما مطالبی راجهت اصلاح سخنان پروفسورباظرافت خاصی مطرح کردنند همه مشتاقانه شنیدند. وآرزومی کردنندچنین مباحث تخصصی توسط دانشمندان اسلامی مطرح گردد.

درست یادم هست که درپایان سخنرانی کف مفصلی برای سخنرانان ما زدنند.

ص: 68

حتی یکی ازدوستان گفت درایران درجلسات مذهبی اگرسخنران مذهبی خیلی سخنرانیش راطول دهد مرسوم است می گویندخادم مسجدکلید رابه روحانی می دهد ومی گویدهروقت سخنرانیت تمام شددرب مسجدراببند وبرو ومادرایران منبر45 دقیقه می رویم که جمعیت ازخنده منفجرشد.

این مردم غرب چقدرازلطایف منبروشوروشعورمنابرنورانی ما دورند که به یک داستان معمولی اینقدرواکنش مثبت نشان می دهند . من آنجا یقین کردم دلهای مردم باتعلیمات الهی است وبه مدد تجربیات قبل برایمانم به این راه افزوده شد.

اینجاست که حوزه های علمیه باید بابرنامه ریزی علمی وجهادی به این نیازجواب دهند.

ص: 69

## بخش پنجم:ظرفیت های حوزه علمیه اصفهان

بخصوص حوزه علمیه اصفهان که ازچندجهت حائزاهمیت است:

1.اصفهان شهری است که درجهان همه آن را می شناسند. بعضی نام ایران راکمترازنام اصفهان شنیده بودنند.

2.اصفهان با تعدادزیادی ازشهرهای دنیاخواهرخوانده است و این برای مسافرین امتیازدارد.

3.اصفهان حدودسه قرن پایگاه علم ودین درجهان تشیع واسلام بوده است.

4.مکتب بزرگ علمی و توحیدی ملاصدرا درشهراصفهان شکل گرفته است.

5.ادیان توحیدی ومردم آن دراصفهان زندگی مسالمت آمیزدارند ودرکنارهم بخوبی زندگی می کنند. که سندبزرگی برفرهنگ ودین این جغرافیا ازجهان است.

ص: 70

6.مردم اصفهان بامسافروتوریست آشنائی دیرینه دارند ومسافرومهمان دوست هستند.

7.آثارعلمی وباستانی اصفهان حرف برای گفتن بسیاردارد وآثارباستانی مذهبی فراوانی دراصفهان وجود دارد.

8.مردم اصفهان هنرمندند وصنایع دستی بدیعی برای عرضه به جهان دارند و ازاین طریق می توان دین وفرهنگ رابه دنیای غرب معرفی کرد.

9.وجودحوزه های علمیه ومساجدکهن درشهراصفهان نشانه دینداری و علم آموزی شهراصفهان است.

10.وجودقبرستان تخت فولاد دراصفهان و قبوردانشمندان و عالمان وهنرمندان و اولیای الهی برگ زرین وسند وافتخاری درجهان اسلام وتشیع ومردم اصفهان و ایران است.

ص: 71

با این همه ظرفیتها و امکانات جادارد که حوزه علمیه اصفهان باحرکت ومدیریت جهادی ارتباط سیستمی دقیق ومنظمی را باجهان وبخصوص دنیای غرب برقرارکند.

این حرکت هفت نفرازعلما ودانشمندان حوزه علمیه اصفهان سند وافتخاربزرگی است که باید درتاریخ حوزه علمیه اصفهان ثبت شود ودرغالب برنامه ومدیریت مستمرتوسط حوزه علمیه اصفهان استمرارپیدا کند.

تعداداساتیدصاحب نظر و طلاب زباندان امکان کم نظیری است که مدیریت حوزه علمیه اصفهان باید ازآن استفاده کند.

## بخش ششم:نتایج نهائی سفر

نتایج نهائی این سفر اینست که :

ص: 72

1-ضرورت سازماندهی حوزه علمیه جهت برقراری با مراکزعلمی ودینی جهان.

2-شناخت زبان وفرهنگ وتمدن غرب وانسان غربی ومراکزدینی وعالمان ادیان الهی.

3- تهیه سند همکاری درزمینهای فراوان درموضوعات مختلف دینی و علمی.

4- اعزام حوزه علمیه که باید درسه سطح انجام گیرد:

الف-اعزام مسئولین واساتید برای آشنائی با دنیای غرب.

ب-اعزام مبلغ برای تبلیغ با آشنائی اجمالی بازبان درحدسخنرانی.

ج-اعزام عالم بانشرعلوم اسلام ناب محمدی(ص) باتسلط کامل زبان.

ص: 73

5-رشد وتوسعه ورونق صنعت توریسم مذهبی درجغرافیاوفرهنگ طرفین.

6-آماده سازی محتوای فرهنگ دینی اسلام ناب محمدی (ص)باادبیات وفرهنگ جهانی.

ودر یک کلام باید جهان وانسان غرب رادریافت وتادیرنشده است اسلام ناب محمدی(ص) رادرآن کویرتشنه نشرعلمی واعتقادی وعملی داد.

ص: 74

ص: 75

## بخش هفتم:عکس ها ویادها

تصویر

ص: 76

تصویر

ص: 77

تصویر

ص: 78

تصویر

تصویر

ص: 79

ص: 80

تصویر

تصویر

ص: 81

تصویر

ص: 82

ص: 83

تصویر

تصویر

ص: 84

تصویر

ص: 85

تصویر

ص: 86

تصویر

ص: 87

تصویر

ص: 88

ص: 89

تصویر

ص: 90

تصویر

ص: 91

تصویر

ص: 92

تصویر

ص: 93

تصویر

ص: 94